قدس
روزنامه صبح ایران
www.qudsonline.ir
چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۹ | ۲۶ صفر ۱۴۴۲ | ۱۴ اکتبر ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۳۶۸

علوم انسانی جزو قلمرو دین است

اندیشه: حجت الاسلام علی نصیری، استاد حوزه و دانشگاه در یادداشتی به ماجرای عدم امکان اقتصاد اسلامی پرداخت و نوشت: به یقین علوم انسانی جزو قلمرو دین است و اگر قرار باشد اسلام را تهی از علوم انسانی بدانیم، چیزی جز اسکلتی ناتمام از دین باقی نخواهد ماند. با این مدعا که اسلام شیمی و ریاضیات ندارد همصدا هستم؛ زیرا این دست از علوم موضوعاً و مسئلتاً از حوزه علوم انسانی بیرون اند، اما در این مدعا که اسلام اقتصاد، جامعه شناسی و... که علوم انسانی اند، ندارد، با ایشان مخالفم.

امام رضا(ع) چگونه نقشه پیچیده خلیفه عباسی در ماجرای ولایتعهدی را خنثی کرد؟

پروژه مأمون به اسارت بردن مفهوم «امامت» بود

اندیشه/ حجت‌الاسلام محسن قنبریان

یکی از کلان‌پروژه‌هایی که می‌توان از آن برای تقابل جدی با ائمه اطهار(ع) یاد کرد «به اسارت بردن دین» است. تعبیر قرآن این است که نهضت‌ها هم می‌توانند هبوط کنند. در آیه شریفه‌ای درباره نهضت بنی‌اسرائیل وقتی آن بهانه‌گیری‌ها را با حضرت موسی(ع) شروع کردند، قرآن «اهْبِطُوا مِصْراً» را به کار می‌برد که اولاً خطاب جمع به کل بنی اسرائیل و آن نهضتی است که علیه فراعنه بود و می‌خواست طرحی نو دربیندازد، اما با خطاب «اهْبِطُوا مِصْراً» روبه‌رو می‌شود. «هبوط» همواره به معنای تنزل کردن از یک موقعیت بهتر به یک موقعیت پست‌تر و همراه با آشکار شدن بدی‌هاست. «اهبطوا مصراً» نیز در واقع همین است حالا که این‌گونه مقاومتی ندارید و نمی‌توانید ادامه دهید در همان تمدن فرعونی هضم شوید. این یعنی «هبوط نهضت». به تعبیر امیرالمؤمنین اسلام -درک عمومی از اسلام که منشأ اعمال می‌شود- ممکن است اسیر شود. تصویر این هبوط برای نهضت پیامبر(ص) می‌تواند مثلاً «اهبطوا مروراً» یا «اهبطوا روماً» باشد. مثلاً فرض کنیم مساوات اسلامی -که پیامبر فرمود شما همه همچون دانه‌های شانه با هم مساوی هستید- تبدیل به یک مساوات کسرایی شود. خود کسانی که این کار را کردند تصریح دارند ما تقسیم غیرمساواتی را -که دیوان و دفترهایی را تشکیل دادند و برای نخستین بار دست به رتبه‌بندی برای تقسیم بیت‌المال زدند- این عدالت را از کسری یاد گرفتیم. به عبارتی «عدالت کسرایی» آمد و به جای «مساوات اسلامی» نشست؛ این هبوط است.

اگر ما همین حدیث شریف «بنی الاسلام علی خمس» را معیار قرار دهیم که اسلام بر پنج رکن نماز، روزه، حج، زکات و ولایت استوار است که البته به هیچ‌کدام همچون «ولایت» ندا داده نشده است، درباره همه این‌ها دوباره مسئله «اسارت» و «هبوط» مطرح است. برای نمونه هبوط در مورد نماز؛ مثل نمازجمعه‌ای می‌شود که دو خطبه‌اش -که به مثابه ذکر و جزء نماز است- در دوره طولانی پس از رسول‌الله جایی برای مشروعیت‌بخشی به حکومت‌های جور شده بود که رسماً در آن جبرگرایی تئوری‌پردازی می‌شد؛ به گونه‌ای که حتی کسی سؤال کرد: شگفتی ندارد مردی از طلقاء(معاویه) آمده و بر اصحاب رسول‌الله خلافت می‌کند؟ یکی از بزرگان وقت جواب داد: [این امر] چه شگفتی دارد، او (معاویه) سلطان‌الله است و خدا [سلطنت] را به هر نیکوکار و فاجری که بخواهد می‌دهد، مگر غیر از این بود که فرعون ۴۰۰ سال حکومت کرد؟!

اسارت جهاد با ناپلئونیسم شدن آن

اسارت جهاد به این است که نوعی ناپلئونیسم شود! در دوره بنی‌امیه بیشترین فتوحات اتفاق افتاد و در دوره بنی‌عباس تثبیت شد. اما آیا این آن جهادی بود که رسول‌الله(ص) آورده بود؟! در مورد حج هم همین‌طور؛ آیات اول سوره توبه، حج را معرفی می‌کند که اصلی‌ترین رکنش «برائت از مشرکین» است اما از قضا عمده‌ترین چیزی که این‌ها به آن اجازه نمی‌دادند مسئله مبارزه با شرک بود. این حدیث شریف در کافی است که امام صادق(ع) فرمود: «بنی امیه تعلیم ایمان را آزاد کردند ولی اجازه ندادند تعلیم شرک صورت بگیرد!» چرایی آن را این‌گونه ذکر می‌کنند: «لکی اذا حملوهم علیه لم یعرفوه» یعنی تا وقتی مردم را حمل بر شرک کردند، دیگر آن شرک را نشناسند. مشخص است منظور از شرک در اینجا بت‌پرستی نیست بلکه مراد شرک عملی است که به تعبیر صریح قرآن بزرگ‌ترین آن، عبادت طاغوت است. عبادت هم در اینجا به معنای اطاعت است. پس در ادامه به اسارت در آمدن ارکان اسلامی، دیدیم برائت از مشرکین هم از حج رفت و حج هبوط کرد. زکات نیز که یکی از ارکان اصلی اسلام و موجب عدالت اسلامی است؛ اسیر شد. اتفاق عجیبی را در زکات رقم زدند و زمین‌های بزرگی را که فتح و باید عایدی خاک حاصلخیزش شامل همه مسلمانان می‌شد، قطعه قطعه کردند و قطعات بزرگ را به صحابه‌ای چون طلحه و زبیر بخشیدند.

اما یک دانه از این‌ها به نام ولایت می‌ماند که در روایات ما از آن به «فریضه جامعه» یاد می‌شود که محافظ همه این تعالیم است. طاغوت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس همه تلاششان را کردند که این هبوط برای ولایت اتفاق بیفتد و اسم اسلام بماند و رسمش نماند. اگر می‌شد این ولایت را نیز اسیر و آن را دچار هبوط کنند، پروژه کامل می‌شد.

پروژه بنی‌عباس هبوط «امامت و ولایت» بود

پروژه بنی‌امیه و خلفای اول بنی‌عباسی بیشتر اسارت خود امام بود، یا [امامان مثل] امام حسین(ع) را در کربلا شهید می‌کردند یا بقیه را اسیر و بعد مسموم می‌کردند که این جواب نمی‌داد و عملاً در ائمه قبل از امام رضا(ع) می‌بینیم هر کدام از این‌ها با شهادتش، دوباره ماجرا را روشن‌تر کرده است. امام موسی بن جعفر(ع) با آن زندانی‌های طولانی که توسط هارون‌الرشید انجام می‌شد، نهضت‌ها در دوران ایشان فراگیرتر شد. از این قضیه روشن می‌شود اسارت خود امام نمی‌تواند کاری کند. اگر کسی بتواند «امامت و ولایت» را اسارت بدهد، کار را تمام کرده است. چنان‌که کسی نمازگزاران را اسیر نکرد بلکه خود نماز را به اسارت در آورد یا نه اینکه حج‌گزاران را اسیر کنند بلکه خود حج را اسیر کردند.

فیلسوف خلفا، مأمون عباسی بود. معتزلی است و خودش بیشتر از همه در این بین فکر و کار دارد و این مفاهیم را می‌شناسد. مأمون آمد و پروژه‌ای را تعریف کرد که آخرین جزء هبوط اسلام را تکمیل کند. پروژه‌اش چه بود؟ این بود که آمد و از تعالیم درست اسلامی و شیعیان این را تشخیص داد که امامت منفک از دو جزء اصلی نیست: یک، «علم»-البته علم لدنی و ربانی بدون اینکه ائمه اطهار استنباط و اجتهاد کنند این علم را از خدای متعال می‌گرفتند- و دوم، «عصمت». یکی در حوزه درک و دیگری در حوزه تحریک و گرایش. [مأمون با خودش] گفت امامت چیزی جز عصمت و علم نیست و اگر من بتوانم علم و عصمت این‌ها را از آن‌ها بگیرم و هبوط بدهم کار تمام است. برای اینکه بدانیم با علم چه کرد فقط نگوییم مناظرات تشکیل داد، چون این مناظرات حقاً قبلاً هم بوده است و در دربار مأمون عباسی هر سه‌شنبه رسم بود علمای معتزلی که بیشتر اهل بحث بودند با علمای دیگر فرقه‌ها می‌آمدند و با همدیگر بحث می‌کردند.

هدف مأمون خالی کردن علم از تعهد بود

به نظر من اما این‌گونه می‌آید که پروژه دزدیدن و اسارت علم خیلی عمیق‌تر از این مواجهه‌ها است. به این است که علم را خالی از تعهد کند و آن را به یک قیل و قال تنها تنزل بدهد. مأمون می‌خواست همان کاری که با معتزله کردند را با امام رضا(ع) کند؛ اینکه علم امام رضا(ع) فقط در قیل و قال معلوم شود که کمتر یا بیشتر بلد است. همچنین تعهدش را -تعهدی که نسبت به عدالت اجتماعی، خدای خود و تکلیف بندگان و مستضعفان و محرومان دارد- از او بگیرند. دوم اینکه قدسیت و عصمت امام رضا(ع) را بگیرند که من از آن به «پروژه امام‌شاه» تعبیر می‌کنم. قصد مأمون این بود که ما بیاییم امام را وارد دربار کنیم و تصویری از امام رضا(ع) بسازیم که «امام‌شاه» است و وارد درباری شده که در آن خواننده و جبروت‌های آن چنانی هست آن هم در حالی که ضعف و بدبختی و مسکنت در نقاط دیگری از جهان اسلام وجود دارد.

برش

پروژه دزدیدن و اسارت علم خیلی عمیق‌تر از این مواجهه‌هاست. به این است که علم را خالی از تعهد کند

کار کارستان امام رضا(ع) در برابر این پروژه مأمون این بود که اولاً به اجبار، ولایتعهدی را قبول کرد؛ اما این تمام ماجرا نبود. اگر فقط بگوییم اجبار بود؛ امام را موجودی منفعل تصویر کردیم. امام رضا(ع) از همین کاری که به حسب ظاهر اجباری بود یک طرح فعالانه خلاقانه ساخت که آن را در دو فراز اصلی ترجمه می‌کنم: یک، «عدم تعهد» و دیگری «تعهد». عدم تعهدش نسبت به کارکرد دربار مأمون بود، به این صورت که شرط کرد من در هیچ عزل و نصبی دخالت نمی‌کنم؛ این یعنی عدم تعهد نسبت به طاغوت. کار دوم هم تعهد نسبت به یک دسته اصول اساسی اسلام و مستضعفان و مبارزان بود. در روایت صحیح السندی از کافی شریف که از معمر بن خلاد است می‌گوید، امام رضا(ع) به من گفت: «مأمون به من نوشته است به بعضی از این‌ها که در نواحی مختلف از شما اطاعت و علیه ما فساد می‌کنند -یعنی مبارزه می‌کنند- یک نامه‌ای بنویسید. امام رضا(ع) فرموده بود: اگر تو به من وفا کردی من نیز به تو وفا می‌کنم». من وقتی به تو و دربارت وارد شدم شرط کردم امر و نهی‌ای نکنم و کسی را به ولایتی نگمارم یا عزل نکنم. تا اینجا همان عدم تعهدی است که به آن اشاره شد. در ادامه امام بسیار زیبا می‌گوید: «این امری که شما به من دادی (ولایتعهدی) چیزی بر آنچه داشتیم بر ما زیادتر نکرد. ما نعمتی از خدای متعال داشتیم و چیزی زیادتر بر ما نشد. من در مدینه بودم و نامه‌ام در مشرق و مغرب عالم نفوذ داشت». این تعبیر به این معناست که من نسبت به مبارزانی که در اقصی نقاط عالم در حال جهاد سیاسی هستند، تعهد دارم.

معرفی کتاب

نقد و بررسی کتاب «دانشگاه بوم شناختی»

ایبنا: در بیست و هفتمین نشست از مجموعه نشست‌های علم و جامعه که به نقد و بررسی کتاب «دانشگاه بوم شناختی» تألیف رونالد بارنت اختصاص یافت، غلامرضا ذاکر صالحی، رضا ماحوزی و جبار رحمانی سخنرانی کردند.

در ابتدای این نشست جبار رحمانی به عنوان مترجم اثر با اشاره به اینکه این کتاب در حوزه فلسفه دانشگاه است و نگاهی جامع به دانشگاه دارد، گفت: بارنت سعی می‌کند در این کتاب نسبت دانشگاه را با بوم نظام‌های موجود در جهان تعیین کند و معلوم می‌کند این‌ها از هم جدا نیستند. او در ابتدای کتاب سعی می‌کند ایده بوم شناختی را توضیح دهد و هفت بوم نظام اصلی را مطرح و تلاش می‌کند با این هفت بوم نظام، مسئولیت اجتماعی دانشگاه را تبیین کند. اکوسیستم معرفت، نهاد اجتماعی، اشخاص، اقتصاد، یادگیری، فرهنگ و محیط طبیعی این هفت بوم است.رحمانی یادآور شد: اکوسیستم‌ها هر کدام ویژگی‌هایی دارند که با هم مرتبط‌اند و جداگانه نیستند و دانشگاه‌ها باید در نسبت با این بوم نظام‌ها به یک خود آگاهی برسند تا بتوانند رسالت خود را در جامعه محقق کنند. مهم‌ترین این بوم نظام‌ها در نهایت اقتصاد است. بنابراین نگاهی پویا به دانشگاه دارد و دانشگاه با نهادهای دیگر در حال رفت و آمد است.

غلامرضا ذاکر صالحی در ادامه درباره تاریخچه تجاری شدن دانشگاه‌ها در انگلستان سخن گفت و افزود: نئولیبرالیسم تاچری تا همین امروز هم روی دانشگاه‌ها فشار می‌آورد و این گونه است که دانشگاه‌ها بین الگوی فرهیختگی و الگوی تجاری شدن آمریکایی دست و پا می‌زنند و واکنش بارنت هم در این باره قابل تأمل است.وی با اشاره به اینکه کتاب بارنت الگویی را برای ساختن فرهنگ دانشگاهی بیان می‌کند که جهانی و آرمانی است، گفت: همین موضوع مشکل این کتاب است؛ ما شاید برای ساختن یک فرهنگ دانشگاهی نتوانیم از یک نسخه جهانی کپی‌برداری کنیم چراکه بوم‌ها متنوع هستند.

این استاد دانشگاه در بخش‌های دیگری از سخنانش درباره تجاری شدن افراطی دانشگاه‌ها در کشورهای شرقی سخن گفت و یادآور شد چگونه تجاری شدن افراطی دانشگاه‌ها سبب از بین رفتن مباحث تاریخی، فلسفی، نظری و... شده و آن‌ها را به حاشیه رانده است.

رضا ماحوزی در ادامه این نشست با بیان سه مقدمه مبنی بر اینکه بارنت این بحث را در کجای تاریخ ایده دانشگاه مطرح می‌کند، گفت: بحث ایده دانشگاه بحثی معطوف به آینده و راهگشاست که راهبر نظام سیاست‌گذاری در دانشگاه و نسبت بین آموزش و پژوهش و نسبت بین دانشگاه و جامعه را مطرح می‌کند. باید بدانیم وقتی بارنت این کتاب را می نویسد چه نسبتی با گذشته خود برقرار می‌کند. نسبتی که سعی می‌کند هم ایده دانشگاه را به صورت جدی مطرح کند، مسئله آینده و افقی که به آینده معطوف است را مطرح کند و در عین حال به ایده کنش هم توجه دارد. وی در ادامه افزود: بنابراین با توجه به ایده بارنت این اثر کدام یک از آثار نویسنده است و چه نسبتی با آثار دیگر ایشان دارد. مؤسسه ما تا کنون سه اثر دیگر هم از بارنت ترجمه کرده است. آنجا با بارنت خامی روبه‌رو هستیم که سعی می‌کند به نئولیبرالیسم آموزشی وفادار بماند. اما این کتاب محصول پختگی او است و می‌گوید ۳۰ سال روی این کتاب کار کردم که مفهومی فلسفی را خلق می‌کند و جامع تمام نظام‌های پیرامون انسان است و با این بوم نظام داریم زندگی می‌کنیم؛ بنابراین دانشگاهی باید باشد که بتواند تمام این هفت بوم نظام را تبیین کند.ماحوزی در پایان یادآور شد: با اینکه ظرفیت‌های بسیاری در نظریه بارنت وجود دارد اما او دیده همچنان می‌تواند نئولیبرالیسم آموزشی را نجات دهد. بارنت می‌تواند آموزشی ارائه دهد که سرسپردگی به اقتصاد ندارد. این آموزشی است آزاد که به انسان و فرهنگ اهمیت می‌دهد؛ آموزشی است که با سوبژکتیوته خود می‌تواند آن را ادامه دهد. کار بارنت کاری است که هم واقعیت‌ها را داریم و هم ایده را؛ هر دو را با هم داریم. بنابراین دانشگاه صرف یک سوژه نیست و برای آینده افقی را می‌بینند.

آگهی مزایده اموال غیر منقول (نوبت اول)

۱ – شماره پرونده اجرایی : ۹۷۲۰۹۵ – اجرای مدنی
۲ – محکوم له : آقای محمدرضا نصیری میاندوآب فرزند فرخ آدرس : میاندوآب - کوی هفت تیر ، خیابان عباسی خیابان منصور کوچه اول درب سوم
۳ – محکوم علیه : آقای یوسف رحیمی فرزند اصغر آدرس : میاندوآب - جاده شاهیندژ ، اول خیابان ۱۰ متری جنب ابزار مرکزی دائمی سمت چپ درب چهارم پشت حمام
۴ – محکوم به : به مبلغ ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و هزینه های دادرسی و تأخیر تأدیه و مبلغ ۷۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال از بابت نیم عشر دولتی
۵ – مورد مزایده : یک باب ساختمان مسکونی دارای پلاک ثبتی ۳۷/۲۲۷ اصلی از بخش ۶ مراغه به مساحت ۳۷۳/۷۲ متر مربع به مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ کل ۱/۸۶۸/۶۰۰/۰۰۰ ریال با اعیانی مسکونی ۵۰ مترمربع هر مترمربع به مبلغ ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و اعیانی (طویله) ۴۴ مترمربع به مبلغ هر متری ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال که مبلغ کل ۸۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال که متعلق به خانم شهین پاشایی می باشد واقع در روستای ساتلمیش محمدلو می باشد که طبق نظریه کارشناس به مبلغ کل ۲/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط کارشناس محترم ارزیابی شده است .
که با توجه به تقاضای محکوم له و به لحاظ عدم پرداخت محکوم به از طرف محکوم علیه ملک فوق توقیف و از طریق مزایده فروخته خواهد شد . مزایده از قیمت پایه شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار خواهد شد .
۶ – شرایط مزایده : الف) برنده مزایده بایستی ده درصد مبلغ پیشنهادی را فی المجلس و مابقی را ظرف مدت یک ماه از تاریخ مزایده پرداخت نماید .
ب) شرکت کنندگان می توانند ظرف مدت ۵ روز قبل از شروع مزایده با هماهنگی با این دفتر از مورد مزایده دیدن نمایند .
ج) جلسه مزایده روز شنبه مورخه ۱۳۹۹/۰۸/۱۰ رأس ساعت ۱۱ صبح در محل دفتر شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان میاندوآب با حضور نماینده محترم دادستانی دادسرای عمومی و انقلاب میاندوآب و متقاضیان برگزار خواهد شد .
د) کلیه هزینه های نقل و انتقال و غیره ... به عهده برنده مزایده می باشد . آ-۹۹۰۷۸۴۰
عسگری – مدیر شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان میاندوآب

هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۲۰۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۶ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجندتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدولی عباسی فرزند غلامرضا بشماره شناسنامه ۳ صادره از بیرجند و کد ملی ۰۶۵۲۳۳۲۷۵۷ در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۵۲/۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶ـ اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش دو حوزه ثبت ملک بیرجند از محل مالکیت مهدی مهرجوفرد محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ- ۹۹۰۷۸۳۵
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۹/۰۸/ ۱۰
علی فضلی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بیرجند

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان فردوس

نظر به دستور موارد یک و سه قانون تعیین تلکیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون فوق الذکر املاکی که در هیئت مندرج در قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهر فردوس مورد رسیدگی و رای آن صادر گردیده است جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد .
۱ـ اقای حسن رضا فریور فرزند علی اکبر نسبت به ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی مشتمل بر خانه به مساحت ۴۴۸/۳۴ متر مربع ، از پلاک ۳۴۴۱ فرعی از ۱ ـ اصلی بخش یک فردوس ، از محل مالکیت مشاعی خودشان ـ مکان وقوع ملک : شهرستان فردوس ـ حاشیه بلوار امام رضا (ع)
۲ـ اقای حسن رضا فریور فرزند علی اکبر نسبت به ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی مشتمل بر خانه به مساحت ۱۴۶/۹۸ متر مربع از پلاک ۳۴۴۱ فرعی از ۱ ـ اصلی بخش یک فردوس ، از محل مالکیت مشاعی خودشان ـ مکان وقوع ملک : شهرستان فردوس ـ حاشیه بلوار امام رضا(ع)
۳ـ خانم الهام اسپان بر فرزند مسلم نسبت به ششدانگ قسمتی از یکباب منزل مسکونی به مساحت ۱۴/۵۹ متر مربع ، باقیمانده پلاک ۱۵۸۲۶ فرعی از ۱ ـ اصلی بخش فردوس ، خریداری مع الواسطه از آقای عباسعلی دولت شناس ـ مکان وقوع ملک : شهرستان فردوس ـ خیابان شهروند ۳
به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی این آگهی نسبت به املاک فوق الذکر در دونوبت به فاصله ۱۵ روز منتشر می شود لذا درصورتی که اشخاص ذی نفع ، نسبت به آراء صادره اعتراضی داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ظرف مهلت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت فردوس ارائه و رسید اخذ نمایند،معترضین باید از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مهلت یک ماه ،مبادرت به تقدیم دادخواست در دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت فردوس تحویل دهند،در این صورت اقدامات ثبت ،موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود ،در صورتی که اعتراضی در مهلت مقرر قانونی واصل نگردد یا معترض ،گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند،اداره ثبت برابر مقررات مربوطه مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست . آ-۹۹۰۷۸۳۷
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۰۷/ ۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۹/۰۸/۰۸
محمود جهانی مهر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان فردوس

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی نظر به دستور مواد ۱ و ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زبرخان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم معصومه بیگم قدمگاهی فرزند سید اسماعیل به شماره شناسنامه ۲۰۵۰ صادره از زبرخان در یک باب خانه به مساحت ۱۹۲/۸۶متر مربع در قسمتی از پلاک ۵۱ فرعی از ۱۳۷ اصلی بخش ۳ زبرخان واقع در اراضی تلخ زنج قدمگاه از محل مالکیت ثبتی مشاعی محمد قدمگاهی فرزند موسی محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵روزاز طریق روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و درروستا ها رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ- ۹۹۰۷۸۳۶
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۳۹۹/۰۸/۰۸
امیرحسین جعفری ندوشن – رئیس ثبت اسناد واملاک شهرستان تفت

آگهی دعوت افراز

چون آقای حاجی بختیاری فرزند شیرمحمد احدی از مالکین مشاعی پلاک ۱۱/۷۰۲ -اصلی واقع در بخش۲ سیستان شهرستان زابل خیابان دانشجو کوچه دانشجوی ۱۴ طبق درخواست شماره ۱۰۲/۸۱۹۴ - ز مورخ ۹۹/۷/۲ تقاضای افراز سهمی خود را از پلاک مرقوم باستناد به قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب سال ۱۳۵۷ را از این اداره نموده ودر ذیل تقاضای افراز خویش اعلام داشته که به دیگر مالکین مشاعی دسترسی ندارد و آدرس آنها مشخص نمی باشد لذا مراتب طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا آگهی می گردد و از سایر مالکین مشاع و کسانی که حق و حقوقی در این ملک دارند و یا تمایل به افراز دارند دعوت بعمل می آید تا در ساعت ۸ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۹/۸/۵ دراین اداره و یا در محل وقوع ملک مزبور حضور بهم رسانند تا با حضور و نظارت آنان عمل افراز برابر مقررات صورت پذیرد، یاداور می گردد عدم حضور مانع ازانجام عمل افراز نخواهد شد. م الف:۷۳۰
تاریخ انتشار :چهارشنبه ۱۳۹۹/۷/۲۳ آ-۹۹۰۷۸۳۰
مهدی پهلوانروی – رئیس ثبت اسناد و املاک زابل

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

املاک واقع در بخش ۶ یزد – تفت و توابع
۳۵۷۴ – اصلی اقای عباسعلی احمدی نسبت به ششدانگ خانه باغچه بطورمفروز قسمتی از پلاک ثبتی برابر به مساحت ۱۸۴۹مترمربع بموجب رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۱۴۱۳مورخ۱۳۹۹/۰۶/۲۶واقع درتفت درازای مالکیت رسمی و مشاعی متقاضی
لذا به منظور اطلاع عموم دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول: چهارشنبه ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ تاریخ انتشارنوبت دوم: پنجشنبه ۱۳۹۹/۰۸/۰۸ آ-۹۹۰۷۸۲۷
امیرحسین جعفری ندوشن رئیس ثبت اسناد واملاک شهرستان تفت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

املاک واقع در بخش ۶ یزد – تفت و توابع
۲۷۳۸ – اصلی خانم منوربورقی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ خانه باغچه بطور مفروز قسمتی از پلاک ثبتی برابربه مساحت کل ۱۸۸/۵۰ مترمربع بموجب رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۱۵۳۴مورخ۱۳۹۹/۰۷/۰۲واقع درتفت در ازای مالکیت رسمی مشاعی متقاضی
۲۷۳۸ – اصلی – آقای احمد فلاح تفتی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ خانه باغچه بطورمفروز قسمتی از پلاک ثبتی برابر به مساحت کل ۱۸۸/۵۰ مترمربع بموجب رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۱۵۳۶مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۲واقع درتفت در ازای مالکیت رسمی مشاعی متقاضی
لذا به منظور اطلاع عموم دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول: چهارشنبه ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ تاریخ انتشارنوبت دوم: پنجشنبه ۱۳۹۹/۰۸/۰۸ آ-۹۹۰۷۸۲۸
امیرحسین جعفری ندوشن رئیس ثبت اسناد واملاک شهرستان تفت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

املاک واقع در بخش ۱۲ یزد – ده بالا و توابع
۵۶۱ –اصلی آقای شعبانعلی سلطانی گردفرامرزی نسبت به سه دانگ مشاع ازششدانگ خانه باغچه بطورمفروزقسمتی از پلاک ثبتی برابر به مساحت کل ۵۹۸/۲۰ مترمربع بموجب رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۱۴۵۶مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۹واقع درآمحسن ده بالا تفت انتقال عادی مع الواسطه از آقای سید احمد قرقچیان مالک رسمی
۵۶۱ – اصلی – آقای شعبان میرجلیلی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ خانه باغچه بطورمفروزقسمتی از پلاک ثبتی برابر به مساحت کل ۵۹۸/۲۰ مترمربع بموجب رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۱۴۵۸مورخ۱۳۹۹/۰۶/۲۹واقع درآمحسن ده بالا تفت انتقال عادی مع الواسطه از آقای سید احمد قرقچیان مالک رسمی
۵۶۱ - اصلی- خانم مریم دهدارنسبت به ششدانگ خانه باغچه بطورمفروزقسمتی از پلاک ثبتی برابر به مساحت ۳۱۷ مترمربع بموجب رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۱۴۴۸مورخ۱۳۹۹/۰۶/۲۹واقع درآمحسن ده بالا تفت انتقال عادی مع الواسطه از آقای سید احمد قرقچیان مالک رسمی
۵۶۱ – اصلی – آقای محمدعلی دهقانی محمود ابادی نسبت به ششدانگ خانه باغچه بطورمفروزقسمتی از پلاک ثبتی برابر به مساحت ۱۸۸/۸۰ مترمربع بموجب رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۱۴۵۰مورخ۱۳۹۹/۰۶/۲۹واقع درآمحسن ده بالا تفت انتقال عادی مع الواسطه از آقای سید احمد قرقچیان مالک رسمی
۵۶۱ – اصلی – آقای محمدجواد رضائی نسبت به ششدانگ خانه باغچه بطورمفروزقسمتی از پلاک ثبتی برابر به مساحت ۳۵۹/۷۰ مترمربع بموجب رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۱۴۵۲مورخ۱۳۹۹/۰۶/۲۹واقع درآمحسن ده بالا تفت انتقال عادی مع الواسطه از آقای سید احمد قرقچیان مالک رسمی
۵۶۱ – اصلی – آقای احمد نادری فر نسبت به ششدانگ خانه باغچه بطورمفروزقسمتی از پلاک ثبتی برابر به مساحت